

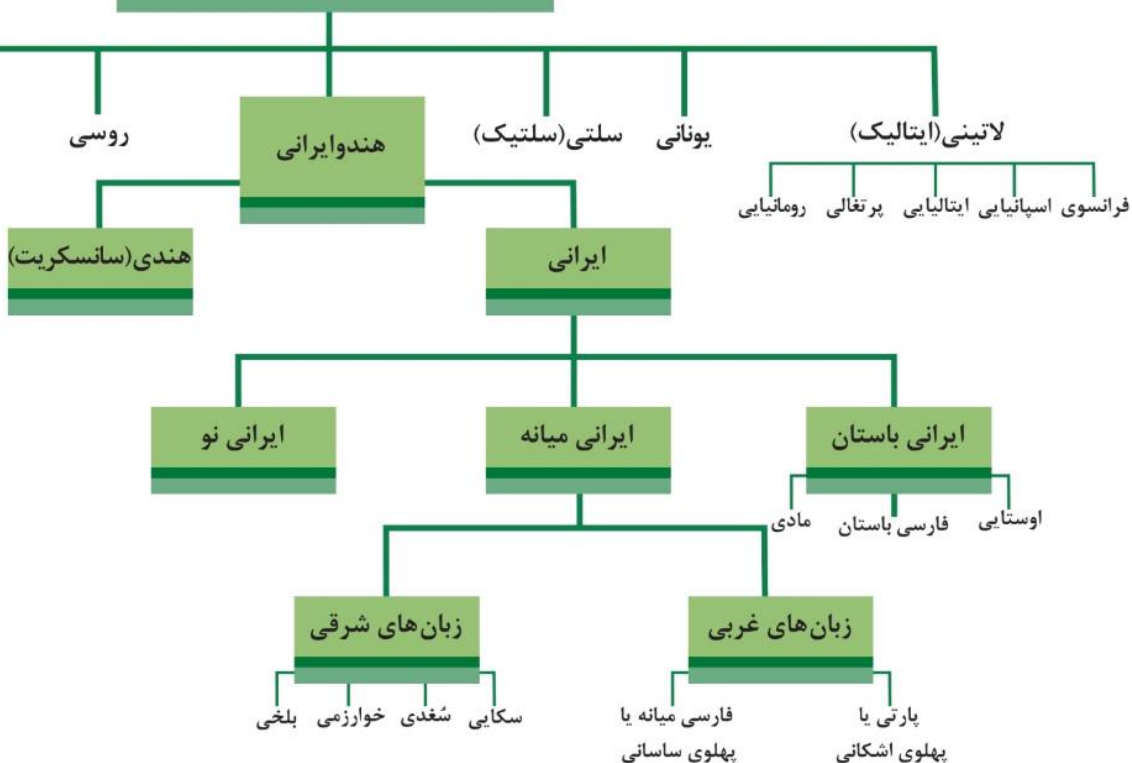
خط، زبان، علم و آموزش، ستون‌های استوار تمدن‌اند و نقش مهمی در انتقال میراث فرهنگی و تمدنی به نسل‌های بعد و ملت‌های دیگر دارند. در این درس، شما با بررسی وضعیت زبان، ادبیات و شیوه‌های تعلیم و تربیت در ایران باستان، تأثیر هریک از این عناصر فرهنگی را بر شکوفایی تمدنی و تداوم تاریخی در آن دوره ارزیابی می‌کنید.

زبان

تا مدتی پس از ورود آریاییان، همچنان رواج داشت و به‌عنوان زبان دوم نوشتاری در دوران هخامنشی از آن استفاده می‌شد. در برخی از سنگ‌نوشته‌های دوره هخامنشیان، ترجمه ایلامی نوشته‌ها نیز آمده است. علاوه بر آن، تقریباً تمامی هزاران لوح گلی کشف شده از تخت جمشید، به خط و زبان ایلامی است.

درباره زبان ساکنان اولیه ایران، پیش از مهاجرت اقوام آریایی، به جز ایلامیان، اطلاعات مکتوبی وجود ندارد. زبان ایلامی، که مردمان جنوب غربی فلات ایران با آن سخن می‌گفتند، زبان رسمی و نوشتاری حکومت و تمدن ایلام بود. این زبان

برخی از شاخه‌های زبان‌های هند و اروپایی

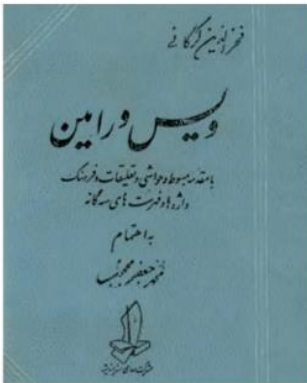


۳- درباره زبان اوستایی شرحی بنویسید؟

۴- زبان های ایرانی دوره میانه در محدوده چه زمانی بود؟

۵- به چه زبانهایی زبانهای ایرانی نو می گویند؟

۶- اصل و ریشه منظومه داستانی درخت آسوریک و بیژن و منیژه به چه زبانی است؟



منظومه عاشقانه ویس و رامین، اصل و ریشه پارتی دارد.

به زبان فارسی باستان وجود داشته و مردم آنها را از حفظ می خوانده اند. از آن جمله است «هزار افسان» که داستان مشهور «هزار و یک شب» بر اساس آن شکل گرفته است. از دوره اشکانیان نیز تقریباً هیچ نوشته ادبی به زبان و خط پارتی بر جا نمانده است، اما شواهد بسیاری دلالت بر وجود ادبیات شفاهی پُرباری در آن دوره دارد. (در زمان حکومت اشکانی، نقل داستان های ملی و پهلوانی، رواج فراوان یافت و شاعران و موسیقی دانان دوره گردی که به گوسان ها معروف بودند، با شور و هیجان بسیار، این داستان ها را از حفظ برای مردم می خواندند. در حقیقت، این گوسان ها بودند که داستان های ملی و پهلوانی را سینه به سینه به نسل های بعدی منتقل کردند. این داستان ها بعدها در تدوین خدای نامه ها و سرودن شاهنامه توسط فردوسی مورد استفاده قرار گرفتند. سنت نقالی و قصه گویی حتی پس از تدوین خدای نامه و شاهنامه، همچنان در ایران تا دوران معاصر ادامه یافته است. (۳ پرسش

۳) اوستایی، زبانی بوده که مردمان بخشی از نواحی شرقی ایران به آن سخن می گفته اند. کتاب دینی زرتشتیان، اوستا، به این زبان نوشته شده است. از این زبان جز کتاب اوستا و آثار مربوط به آن، اثر دیگری بر جا نمانده است. (۳

۴) زبان های ایرانی دوره میانه، تقریباً از زمان سقوط هخامنشیان تا فروپاشی حکومت ساسانیان (۶۵۱ م. / ۳۱ ق.) و حتی قرون نخستین اسلامی، در مناطق مختلف ایران متداول بودند. (۴ این گروه زبان ها آثار بیشتری به جا مانده است.

زبان پارتی یا پهلوی اشکانی، در مناطق شمال و شمال شرق ایران متداول بود و زبان رسمی و درباری حکومت اشکانیان به شمار می رفت. زبان فارسی میانه یا پهلوی ساسانی که دنباله زبان فارسی باستان به حساب می آید، در نواحی جنوب و جنوب غربی ایران رایج بود و زبان رسمی و درباری حکومت ساسانی شمرده می شد. (۵ زبان های ایرانی نو، به زبان هایی گفته می شود که در دوران اسلامی به تدریج در مناطق مختلف ایران رواج یافتند. (۵ پرسش

ادبیات

۲ پرسش) در ایران باستان، نقل شفاهی داستان ها و تعالیم دینی و ادبی، بر کتابت و نوشتن ترجیح داده می شد. از این رو، نوشتن متن های ادبی و دینی، چندان معمول نبود و تنها اسناد مربوط به سیاست و تا حدودی اقتصاد را کتابت می کردند. (۴ مورخان یونانی به داستان های حماسی و عاشقانه مادی و نیز برخی اشعار آن دوره اشاره کرده اند که به صورت شفاهی نقل می شده است. از گزارش های همین مورخان معلوم می شود که در زمان هخامنشیان، قصه های متعددی

فعالیت ۲

به نظر شما چه ارتباطی می تواند میان گسترش داستان های حماسی و پهلوانی با شرایط سیاسی - اجتماعی حاکم بر اوایل دوران حکومت اشکانیان، وجود داشته باشد؟

۶) به نظر برخی زبان شناسان، منظومه های داستانی «درخت آسوریک» و «یادگار زیران» که در قرن ۵ م. به خط و زبان

